مرد فداکار، سپر جان کودکان شد

مرد میانسال خود را زیر خودروی سرگردان انداخت

لیلا حسین زاده
گروه حوادث

«چون دخترم را از دست داده و درد کشیده بودم، دلم نمی‌خواست خانواده دیگری مانند من داغدار شود. برای همین تصمیم گرفتم مانع از برخورد خودروی پژو با کودکانی شدم که در معرض خطر بودند.»

اینها را موسی‌الرضا چشمی مرد ۵۷ساله اهل روستای چشام شهرستان سبزوار می‌گوید که چند روز پیش در گردنه کیاسر جان چند کودک را از مرگ حتمی نجات داد اما خود از ناحیه شکم دچار سوختگی درجه ۳ شد. گفت‌وگوی جام‌جم با او را بخوانید.

حالتان چطور است؟

شکمم سوخته و چند روزی هم در بیمارستان بستری بودم اما بعد خسته شدم و به خانه رفتم تا روند درمان را در آنجا ادامه دهم.

روز حادثه چه اتفاقی رخ داد؟

ما به مسافرت رفتیم و در حال برگشت به سبزوار بودیم که در گردنه‌ای که در کیاسر قرار دارد، توقف کردیم. آنجا به مردم آش و چای می‌دهند و ما هم تصمیم گرفتیم تجدید قوا کنیم. ساعت سه بعد از ظهر بود و کودکان در حال بازی بودند و خودروی پژویی هم آنجا پارک بود که راننده‌ای نداشت. در حال نوشیدن چای بودم که یک‌دفعه نمی‌دانم برای آن پژو چه اتفاقی رخ داد. ترمزش از کار افتاد یا هر عامل دیگری. در حال حرکت به‌سمت عقب و کودکانی بود که آنجا در حال بازی بودند. به‌سمت لاستیک‌های عقب خودرو دویدم تا جلوی حرکتش را بگیرم. در همین هنگام شکمم به لوله اگزوز که داغ بود چسبید و به‌شدت دچار سوختگی شدم. خودرو یک‌دفعه چرخید و زیر آن گرفتار شدم. دو سه دقیقه‌ای در این حالت بودم که مردم متوجه شرایطم شدند. یک نفر پشت فرمان پژو نشست و خودرو را به جلو حرکت داد تا توانستم خارج شوم.

شما را به بیمارستان انتقال دادند؟

بله، راننده پژو هم متوجه حادثه شد و مرا به بیمارستان کیاسر منتقل کرد و پرونده پزشکی برایم تشکیل داد اما گفتم نمی‌توانم اینجا بمانم. تمام تلاش‌شان را کردند تا کمکم کنند اما خودم قبول نکردم.

به غیر از شکم ناحیه دیگری از بدن‌تان آسیب ندید؟

شانسی که آوردم این بود که قسمت فلزی بکسل پژو به بدنم فرو رفت اما هیچ‌یک از استخوان‌هایم را نشکست. در غیر این‌صورت جانم را از دست می‌دادم. از دکترها پرسیدم چرا؟ گفتند برای این‌که شش‌هایم را سوراخ می‌کرد. البته بدنم درد دارد اما آن را تحمل می‌کنم. پدر و مادر بچه‌ها هم که متوجه این اتفاق شده بودند برای قدردانی آمدند. این دومین باری است که چنین اتفاقی برایم رخ می‌دهد. ۴۰ سال پیش هم یک نیسان در گردنه علی‌آباد در حال سقوط به دره بود. آن روز راننده نیسان در حال آب ریختن روی رادیاتور خودرویش بود که نیسان با این‌که سنگ زیر لاستیکش بود حرکت کرد. راننده دستپاچه شد و حاضران نیز از وحشت فریاد می‌کشیدند. من هم خودم را به‌سمت عقب نیسان پرت کردم و مانع از سقوط آن شدم.



مکث

حکمت خدا بود شوهرم به بچه‌ها کمک کند

همسر این مرد فداکار هم در مورد روز حادثه می‌گوید: «آن روز و در لحظه حادثه من با بچه‌ها جلوتر بودیم که با سروصدای مردم متوجه اتفاق شدیم. پنج دقیقه طول نکشید که متوجه این موضوع شدیم و به محل برگشتیم. اگرچه همسرم دچار سوختگی شد اما خدا را شکر بچه‌ها سالم هستند و همه چیز ختم به خیر شد. امام حسین(ع) خودش به شوهرم کربلایی چشمی کمک کرد و شاید دعای کودکان نجات یافته و حتی دعای دختر خودم که دو سال است در آسمان‌هاست در این امر دخیل بوده. حکمت خدا در این بود که همسرم آن لحظه آنجا حضور داشته باشد. او چند روزی در بیمارستان واسعی سبزوار بستری بود و پس از جراحی و طی مراحلی از درمان در بیمارستان به خانه منتقل شد. برای او پرستار خصوصی گرفتیم تا روند درمانش انجام شود.

جزئیات ۵ قتل به خاطر ارثیه شوم



الناز نوری/ فرزند: اسماعیل
متولد: ۱۳۷۰/ مجرد
نحوه قتل: خفه کردن
تاریخ قتل: شهریور ۱۴۰۳

شیرین نوری/ فرزند: اسماعیل
متولد: ۱۳۵۲/ مجرد
نحوه قتل: تیراندازی
تاریخ قتل: شهریور ۱۴۰۳

مدینه فرح/ فرزند: غلامحسین
متولد: ۱۳۳۱/ شوهر فوت شده
نحوه قتل: خفه کردن
تاریخ قتل: شهریور ۱۴۰۳

محسن نوری/ فرزند: اسماعیل
متولد: ۱۳۵۱/ مجرد
نحوه قتل: تیراندازی
تاریخ قتل: شهریور ۱۴۰۳

محمدرضا نوری/ فرزند: اسماعیل
متولد: ۱۳۵۵/ متاهل دارای دو فرزند
نحوه قتل: تیراندازی
تاریخ قتل: دی ۱۴۰۳

مرد جوان برای تصاحب ارثیه کلان پدر فوت شده‌اش در جنایتی هولناک مادر، دو خواهر و دو برادرش را با همدستی برادر دیگرش به قتل رساند و اجساد آنها را در دو چاه با عمق ۲۵ متری در خانه‌ای در محله پونک تهران دفن کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل بهار سال گذشته زنی جوان که مادر دو فرزند است، با حضور در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که شوهرش ناپدید شده و برای یافتن او کمک خواست. با دستور بازپرس حسین گودرزی، تحقیقات در دستور کار ماموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. شاکی در این مرحله از تحقیقات در تشریح ماجرا گفت: شوهرم یک روز از خانه بیرون رفت و بعداز آن هرچه منتظر شدم دیگر به خانه بازنگشت. تلفن همراهش را هم پاسخ نمی‌داد، سراغ خانواده‌اش رفتم که در خانه‌هایشان را باز نکردند و به تلفن‌هایم به درستی پاسخ ندادند. احتمال دادم شوهرم تصادف کرده باشد که به بیمارستان‌ها سرزدم و پیگیر شدم اما بی‌نتیجه بود. بهزیستی و مراکز پلیس هم رفتم اما نام او در این مراکز ثبت نشده بود. دل‌نگران وضعیت شوهرم هستم و برای یافتن او کمک می‌خواهم.

با جمع‌بندی این اطلاعات، ماموران مشخصات و تصویر شوهر گمشده این زن را در اختیار گرفتند و به جست‌وجو برای یافتن او ادامه دادند. این در حالی بود که مدتی بعد شاکی زن دوباره نزد بازپرس پرونده رفت و اطلاعاتی در اختیار او قرار داد که نشان می‌داد شوهرش به پیامک‌های وی پاسخ می‌دهد و اعلام کرده برای کار به جنوب کشور رفته و به زودی باز می‌گردد. آخرین بار هم اعلام کرده برای کار به کشور ترکیه می‌رود. زن که به ماجرا مشکوک شده بود دوباره مقابل خانه مادرشوهرش در محله پونک تهران رفت اما باز هم در را باز نکردند. بارها به تلفن سه برادر شوهرم و دو خواهرش زنگ زدم اما آنها هم جوابگو نبودند. آنها هم فقط پیامک جواب می‌دادند و مدعی بودند به سفر خارج از کشور رفته‌اند.

این گفته‌های زن عجیب بود و همین باعث شد کنجکاوی بازپرس جنایی را برانگیزد که نکند اتفاقی برای شوهر او و دیگر اعضای خانواده‌اش افتاده باشد.

شاکی پرونده چند ماه بعد دوباره به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران آمد و اطلاعات جدیدی را در اختیار پلیس قرار داد و در تشریح ماجرا گفت: من و شوهرم اختلافی نداشتیم اما او وکیل گرفته و درخواست جدایی داده است. در این مرحله از تحقیقات ماموران به استعلام از دادگاه خانواده پرداختند که مشخص شد، درخواست از طریق یک وکیل ثبت شده است. وقتی از این وکیل تحقیق کردند، او اعاکرد شاکی با او قرار گذاشته و وکالت داده است. این درخواست با ادعای متهم که خارج از ایران است، تناقض داشت و شک پلیس را بیشتر کرد. از سوی دیگر تحقیقات میدانی نشان داد، خانواده مرد گمشده یکی از افراد پولدار غرب تهران هستند. آنها ساختمان‌ها، مغازه‌ها و خودروهای لوکس گرانقیمت دارند. فقط مرد گمشده متاهل بوده و سه برادر و دو خواهر وی مجرد و در خانه‌های دیگری در تهران زندگی می‌کنند و در ساختمانی که مادر حدود ۶۰ ساله خانواده در محله پونک زندگی می‌کند، دیگر کسی ساکن نیست. علاوه بر آن سال ۱۴۰۲ پدر خانواده فوت کرده و از آن موقع تاکنون ارثیه خانوادگی میان مادر و شش فرزندش تقسیم نشده و میان آنها اختلاف وجود دارد. نیمه دوم مرداد امسال ماموران در یکی از محله‌های تهران یکی از پسران این خانواده را یافتند. با دستور بازپرس گودرزی ماموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران او را در خانه‌اش بازداشت کردند. ماموران با دستور قضایی خانه اجاره‌ای او را بازرسی و کیفی را پیدا کردند که شناسنامه، کارت ملی و کارت‌های بانکی دیگر اعضای خانواده‌اش در آن بود. از سوی دیگر اسناد و مدارکی پیدا شد که تمام اموال به نام این مرد و برادر دیگرش شده است. متهم ۳۷ ساله برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران انتقال یافت و مدعی بود از اعضای خانواده‌اش خبری ندارد و آنها با رضایت خود اموال را به نام او و برادرش ثبت کرده‌اند. تحقیقات برای راگشایی از ابعاد این پرونده ادامه داشت تا این‌که سرانجام ۲۰ روز قبل مخفیگاه برادر متهم دستگیر شده در شمال کشور پیدا و او بازداشت شد. این مرد جوان نیز برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران منتقل شد. این دو برادر از سرنوشت دیگر اعضای خانواده خود اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند بنابراین تحقیقات به طور جداگانه از آنها ادامه یافت تا این‌که بامداد پنجشنبه بیست‌وششم شهریور، راز قتل اعضای خانواده‌شان را با انگیزه تصاحب ارثیه کلان که از پدرشان به جا مانده بود را فاش کردند. متهم ۳۷ ساله اعلام کرد معتاد بوده و خانواده نمی‌خواستند ارثیه او را پرداخت کنند و حتی از وی خواسته بودند سهمش را به بقیه اعضای خانواده انتقال دهد. بنابراین طمع تصاحب همه اموال به جان او افتاده و با همدستی برادر دیگرش نقشه قتل عام دو برادر، دو خواهر و مادر حدود ۶۰ ساله‌شان را به اجرا گذاشتند. تحقیقات از متهم به قتل نشان داد ابتدا مادر خانواده را که در محل زندگی‌اش تنها بوده و بعد یکی از خواهرانش را که به خانه رسیده بود خفه کرده است. او و برادرش سپس از ترس فاش شدن ماجرای این دو قتل با تهیه یک یخچال صنعتی اجساد این دو نفر را در آن قرار داده و نگهداری می‌کردند. بعد از آن روز وقتی برادر دیگرشان سراغ اعضای خانواده را می‌گیرد با او قرار می‌گذارد و وی را نیز با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. سپس دو نفری جسد وی را با خودرو به خانه مادرشان انتقال می‌دهند و در یکی از یخچال‌های صنعتی قرار می‌دهند. این در حالی بود که هنوز یک برادر و یک خواهرشان زنده بودند. قاتل آن دو را هم به محلی می‌کشاند و هر دو را با شلیک گلوله به قتل می‌رساند. در ادامه اجساد آن دو را هم با کمک برادر دیگرش به خانه مادر منتقل و در یخچال صنعتی می‌گذارند.

بعد از آن با استخدام چند کارگر افغان آنها ابتدا چاهی به عمق ۲۵ متر حفر می‌کنند. بعد از رفتن کارگران سه جسد را گونی پیچ شده درون چاه می‌اندازند. روی آن سیمان ریخته و دهانه چاه را می‌بندند. چند روز بعد دوباره کارگران افغان دیگری چاهی دیگر با عمق ۲۵ متر حفر می‌کنند. دو جسد دیگر را هم گونی پیچ داخل این چاه می‌اندازند و دهانه آن را می‌بندند.

حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف اولیه این دو برادر به جنایت خانوادگی برای هردویشان به اتهام مشارکت در پنج فقره جنایت قرار قانونی صادر شده و در بازداشت به سر می‌برند. تحقیقات تکمیلی برای راگشایی از دیگر ابعاد پرونده ادامه دارد. این در حالی بود که ماموران با اعتراف متهمان پرونده صبح پنجشنبه به آن خانه در محله پونک رفتند و اجساد را در دو چاه پیدا کردند. موضوع کشف این اجساد به محسن اختیاری، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اعلام شد و با هماهنگی وی بقایای کشف شده اجساد به پزشکی قانونی ارسال شد.

متلک‌پرانی، رنگ خون گرفت

متهم به قتل در دادگاه: فکر نمی‌کردم ضربه چاقو به پا می‌تواند کشنده باشد

یک متلک، یک درگیری و ضربه‌های چاقو. این خلاصه ماجرایی است که به قتل مرد جوانی در پارک قیطریه منجر شد. متهم اصلی اما در دادگاه گفت چاقو را برای دفاع از خود همراه داشته و تصور نمی‌کرده ضربه به پا بتواند مرگبار باشد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در پرونده قتل مرد جوانی در پارک قیطریه، از ساعت ۵ بامداد جمعه دوم آذر سال ۱۴۰۳ و در پی گزارش ماموران کلانتری ۱۰۱ تجریش به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران آغاز شد. با اعلام این خبر، بازپرس کشیک قتل همراه تیم بررسی صحنه جرم راهی پارک قیطریه شد تا تحقیقات درباره این جنایت را آغاز کند.

بررسی‌های اولیه در ضلع جنوبی پارک، جسد مردی حدود ۲۵ ساله را پیش روی تیم جنایی قرار داد. معاینه اولیه نشان می‌داد او بر اثر اصابت ضربه چاقو جان باخته. در اطراف جسد نیز آثار درگیری وجود داشت و شواهد اولیه از وقوع یک نزاع دسته جمعی حکایت داشت. در بررسی‌های نخست مشخص شد نامزد مقتول نیز هنگام حادثه همراه او شاهد درگیری بوده است. دختر جوان که از حادثه شوکه شده بود، درباره آنچه دیده بود به ماموران گفت: همراه نامزدم برای پیاده‌روی به پارک آمده بودیم. در مسیر از کنار آلاچیقی عبور کردیم که چهار پسر جوان داخل آن نشسته بودند. یکی از آنها به من متلک انداخت. نامزدم ناراحت شد و به رفتار آنها اعتراض کرد. بعد از آن میان‌شان درگیری به‌وجود آمد و در جریان دعوا، نامزدم با ضربه چاقو و چوب زخمی شد. چند لحظه بعد هم روی زمین افتاد و متهمان قبل از رسیدن پلیس فرار کردند.

تحقیقات کارآگاهان در ادامه نشان داد این درگیری تنها یک قربانی نداشته و فرد دیگری نیز در جریان نزاع زخمی شده است. از سوی دیگر، یکی از حاضران در درگیری توسط مردم دستگیر و به ماموران کلانتری تحویل داده شده بود.

کارآگاهان برای شناسایی سایر افراد حاضر در نزاع، بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف پارک را در دستور کار قرار دادند. اقدامات اطلاعاتی نیز ادامه یافت و در نهایت هویت دو نفر از عاملان درگیری مشخص شد. پس از هماهنگی قضایی، مخفیگاه آنها تحت نظر قرار گرفت و متهمان در جریان تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس بازداشت شدند.

متهم اصلی پرونده (شایان) در تحقیقات اولیه حضور خود در درگیری را پذیرفت و درباره شروع ماجرا گفت: همراه دوستانم برای تفریح از شهرری به پارک قیطریه رفته بودیم. داخل آلاچیق نشسته بودیم که مقتول همراه نامزدش از مقابل ما عبور کردند. یکی از دوستانم به دختر جوان متلک گفت و مقتول به رفتار ما اعتراض کرد. این متهم در ادامه اعترافات خود گفت: مقتول از ما خواست عذرخواهی کنیم اما قبول نکردیم. بعد از آن درگیری شروع شد و در جریان دعوا با چاقویی که همراهم بود، دو ضربه به او زدم. بعد از حادثه قصد فرار داشتم اما دستگیر شدم. قصد کشتن او را نداشتم و از اتفاقی که افتاده پشیمانم.

با تکمیل تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. شایان به اتهام مباشرت در قتل، سعید به اتهام معاونت در قتل و دو متهم دیگر به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل پای میز محاکمه رفتند. این پرونده در دو جلسه رسیدگی شد و با آخرین دفاع متهمان قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند. در ابتدای جلسه، اولیای دم مقتول در جایگاه قرار گرفتند و برای عامل قتل درخواست قصاص کردند.

پس از آن شایان برای دفاع از خود روبه‌روی قضات ایستاد و ضمن پذیرش حضور در درگیری، مدعی شد قصد کشتن مقتول را نداشته. او گفت: قبول دارم در درگیری حضور داشتم اما قصد قتل نداشتم و برای دفاع از خودم ضربه زدم. آن شب به من حمله شد و حتی به سرم ضربه خورد.

شایان در ادامه روایت خود از حادثه اظهار کرد: من و دوستانم برای تفریح به پارک قیطریه رفته بودیم. آنجا مشروب خوردیم و گل کشیدیم. مقتول همراه دختری از کنار ما عبور می‌کرد و با صدای بلند در حال جر و بحث با هم بودند. سعید به آنها اعتراض کرد که چرا سروصدا می‌کنند. بعد از آن مقتول جلو آمد و گفت اینجا محله اوست و ما نباید به آنجا می‌آمدیم.

او ادامه داد: بین مقتول و سعید درگیری لفظی شروع شد. من جلو رفتم تا دعوا را تمام کنم اما مقتول اصرار داشت سعید عذرخواهی کند. گفتم من عذرخواهی می‌کنم ولی قبول نکرد. بعد هم تلفنی از دوستانش خواست به پارک بیایند. چند دقیقه بعد چند پسر جوان به آنجا آمدند و درگیری شروع شد.

متهم درباره لحظه‌ای که ضربه به مقتول وارد شد نیز گفت: در جریان دعوا، مقتول مرا روی زمین انداخت و همزمان فردی از پشت به سرم ضربه زد. وقتی مقتول دوباره به سمتم آمد، چاقویی را که در ساق پایم مخفی کرده بودم، بیرون آوردم و یک ضربه به پایش زدم. همراه دوستانم خواستیم فرار کنیم. از خانواده مقتول عذرخواهی می‌کنم. باور کنید قصدم فقط دفاع از خود بود.

در ادامه رسیدگی، سعید در جایگاه قرار گرفت و ضمن رد نقش خود در قتل گفت: در انتخاب دوستانم اشتباه کردم و نباید با آنها رفت‌وآمد می‌کردم. من نقشی در قتل نداشتم. فقط از خانواده‌ام بابت انتخاب دوستانم عذرخواهی می‌کنم.

دو متهم دیگر نیز دفاعیات خود را مطرح کردند.

قضات در پایان جلسه محاکمه را تجدید کردند تا تحقیقات بیشتری انجام شود. در دومین جلسه اولیای دم همچنان درخواست قصاص قاتل پسرشان را مطرح کردند. متهم هم با تکرار دفاعیات قبلی خود گفت: یک بار خفت شدم و گوشی تلفن همراهم را دزدیدند. خسارت سنگینی سر این سرقت دادم و از آن به بعد برای دفاع از خودم چاقوی آشپزخانه‌ای همراه داشتم. وقتی با مقتول درگیر شدم، یک ضربه به صورتش زدم اما متوجه نشدم ضربه دوم به کدام قسمت بدنش اصابت کرد. در اداره آگاهی گفتند به پایش اصابت کرده.

متهم در پاسخ به رئیس دادگاه که پرسید نمی‌دانستی چاقو برنده و کشنده است، گفت: تصور می‌کردم اصابت چاقو به گردن و قلب و سینه کشنده است. نمی‌دانستم ضربه به پا هم کشنده است.

وکیل متهم هم در دفاع از او گفت: موکلم قصد قتل نداشته و ضربه را به پای مقتول زده. بسیاری از مردم نمی‌دانند اصابت ضربه به ران می‌تواند مرگبار باشد و همین موضوع نشان می‌دهد قصدی برای کشتن وجود نداشته است.

پس از آخرین دفاع متهمان قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

کوتاه از حوادث

دعوای مرگبار دو ضایعات جمع‌کن

دعوای میان دو مرد ضایعات جمع‌کن به قتل یکی از آنها منجر شد. قاتل فراری ساعاتی بعداز جنایت بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۶ چهارشنبه بیست‌وپنجم شهریور امسال یکی از ماموران کلانتری کیانشهر به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد مردی حدود ۴۰ ساله براثر ضربه چاقو به قفسه سینه‌اش در فضای سبز یکی از محله‌های منتهی به خانی‌آباد نو به قتل رسیده است. ماموران به تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند که معلوم شد مقتول ضایعات جمع‌کن بوده که با مردی دیگر که او نیز ضایعات جمع‌کن بوده درگیر شده و با شدت گرفتن درگیری دست به چاقو شده و ضربه‌ای به این مرد زده و فرار کرده و مردم نتوانسته‌اند مانع فرار او شوند. با اطلاعاتی که شاهدان از قاتل فراری دادند او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و مشخصات او در اختیار گشت‌های انتظامی قرار گرفت و از آنها خواسته شد به محض مشاهده متهم وی را بازداشت کنند. جست‌وجوها با دستور بازپرس جنایی ادامه داشت تا این‌که سه ساعت بعد از جنایت، گشت پلیس، متهم فراری را در حال پرسه زدن در یکی از محله‌های جنوبی شهر شناسایی و بازداشت کرد. متهم با انتقال به پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و در اظهاراتش گفت: معتادم و سال‌هاست ضایعات جمع می‌کنم. مقتول هم ضایعات جمع می‌کرد و مدت‌ها بود به دلیل اعتیادش دور از خانواده زندگی می‌کرد و با آنها رفت‌وآمدی نداشت. روز حادثه برسر جمع‌آوری ضایعات و این‌که او نباید در حوزه کاری من ضایعات جمع کند، درگیر شدیم. با شدت گرفتن دعوایمان عصبانی شدم و خواستم با چاقویی که در جیبم بود او را بترسانم که در جریان درگیری به قفسه سینه‌اش اصابت کرد و باعث مرگش شد. از ترس فرار کردم و سرگردان خیابان‌ها و بوستان‌ها بودم تا این که پلیس ساعاتی بعد از جنایت بازداشتم کرد.

رضا اعلائی بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم به قتل او در بازداشت به سر می‌برد. تحقیقات برای شناسایی خانواده مقتول و ثبت اظهارات و شکایت آنها ادامه دارد.

برخورد انضباطی با ماموران متخلف

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آذربایجان شرقی از برخورد انضباطی با ماموران انتظامی دخیل در رفتار نامتعارف با یک متهم در تبریز خبر داد.

در این اطلاعیه آمده است: در پی انتشار ویدئویی درباره رفتار نامتعارف ماموران انتظامی شهر تبریز با یک متهم، موضوع در دستور بررسی قرار گرفت. براساس بررسی‌های انجام‌شده، این حادثه چهاردهم خرداد امسال و پس از دستگیری فرد مذکور در جریان یک نزاع خیابانی رخ داده است. برابر قوانین انضباطی فراجا، فرمانده انتظامی استان در همان زمان، افراد دخیل در این حادثه را تنبیه و به انتظار خدمت معرفی کرده است. براساس این اطلاعیه، روند رسیدگی قانونی و اقدامات تنبیهی تکمیلی برای برخورد شدیدتر با افراد دخیل در این حادثه در کمیسیون قضایی و انضباطی بازرسی کل فراجا در دست اقدام است.

دستگیری سارق طلافروشی بیرجند در کمتر از ۱۰ ساعت



فرمانده انتظامی خراسان جنوبی از شناسایی و دستگیری سارق یک واحد طلافروشی در بازار بیرجند و کشف تمامی اموال مسروقه در کمتر از ۱۰ ساعت خبر داد. به گزارش ایرنا، سردار حسن شجاعی‌نسب با اعلام این خبر اظهار کرد: در پی وقوع سرقت از یک واحد صنفی طلافروشی در بازار بیرجند بلافاصله دستورات ویژه انتظامی و قضایی صادر و برای شناسایی و دستگیری عامل سرقت وارد عمل شدند. وی افزود: کارآگاهان پلیس آگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، هویت متهم را در کمتر از ۱۰ ساعت شناسایی کردند و متهم طی عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. فرمانده انتظامی خراسان جنوبی ادامه داد: در جریان این عملیات، تمامی اموال سرقتی از متهم کشف و پس از طی مراحل قانونی به مالباخته تحویل داده شد.